

سخنی چند درباره قانون مربوط به تشکیل دادگاه اطفال بزهکار

قبل از هر گونه بحث و انتقادی در این باره بایستی متذکر شد که قانون مربوط باطفال بزهکار که اخیراً بتصویب مجلسین رسیده است از لحاظ اصول از قوانین مترقی جزائی است که بیشک تصویب آن یکی از درپچه های تحولات امروزی حقوق جزا را بروی کشور ما باز نموده است.

امروز دیگر علمای حقوق جزا و قانونگذاران مانند ادوار پیشین با بغض و کینه و روی اصل انتقام مجرمین را در نظر نگرفته و قوانین جزائی را بدین پایه و منوال تدوین نمی نمایند.

بلکه امروز مجرمین را درست مثل یکدسته از بیماران اجتماع دانسته و همانطور که اطباء هر کشور در فکر نجات و رهائی از چنگال امراض مهلک میباشند علمای حقوق جزا و قانونگذاران نیز باتدابیر لازم در فکر استعلاج این گروه از بیماران اجتماعی برآمده و قوانین لازم را بدین پایه و اساس وضع مینمایند.

پیرو همین اصول و نظریه است که عده ای از علمای حقوق جزا در امور جزائی احکام غیر محدود « The Indeterminate Sentence » را پیشنهاد مینمایند.

بموجب اینگونه احکام که امروز در برخی از کشورهای ممالک متحدۀ آمریکا نیز متداول است قاضی جزائی مدتی را که محکوم بایستی در زندان بسربرد معلوم نمیکند و فقط در مورد محکومیت و شدت وضع بزه او اظهار نظر نموده او را تحویل دائره زندان میدهد و این دائره زندان است که پس از یک سلسله آزمایشهای دقیق بر روی محکوم و سعی و کوشش در تصحیح وضع اخلاقی و روحی او چنانچه او را آماده برای ورود در اجتماع دیده مستخلص و در غیر اینصورت بدون اعتنا بمدت بازداشت مدتهای مدید یعنی تا تصحیح وضع اخلاقی و روحی محکوم او را در زندان خواهد گذاشت.

این عده از علمای حقوق مدعیند حالا که فلسفه و منظور غائی مجازات تصحیح وضع اخلاقی و روحی مجرم است همانطور که طبیب دربدو ورود بیمار به بیمارستان نمیتواند بطور قطع و یقین حکم کند که این بیمار یکماه یا ششماه منجزاً در بیمارستان بماند قاضی محکمه جزا نیز نمیتواند بدو مدت معالجه این بیمار روحی و اخلاقی را بطور منجز معلوم نماید.

بنابراین اگر مجرم در مدت کمی اصلاح شد چه داعی دارد او را بیجهت در زندان نگاهداشت و بالعکس اگر مجرم بحال سابق خود باقیست لزومی ندارد شخص خطرناکی را آزاد و تحویل اجتماع نمود که باز هم مرتکب جرائم دیگری بشود.

سخنی چند در باره قانون

باتوجه باین مقدمه بدیهی است که اجراء تحولات اخیر در مورد صغار که هنوز رشد فکری آنها کامل نشده و مستعد اخذ تعلیمات و مستحق اعمال نظارت بیشتری هستند بیشتر از کبار بنظر میرسد.

این است که علمای حقوق جزا و قانونگذاران ملل مترقی بیش از پیش اهتمام نموده‌اند که با تدوین قوانین و مقررات جدید اطفال بزهکار را هرچه زودتر اصلاح نموده اجتماع را از خطرات بعدی آنها برهانند.

زیرا غالباً ملاحظه شده است که مجرمین خطرناک بیشتر آنهایی بوده‌اند که قبل از رسیدن بسن ۱۸ سالگی مرتکب جرائمی شده‌اند.

گرچه آمار صحیحی در اینخصوص در ایران در دست نداریم ولی طبق یک آمار دقیق در فرانسه از تعداد ۴۲۳ نفر از جنایتکاران خطرناک و با سابقه یکی از زندان های آنکشور با اسم: «La Maison Centrale d' Ensisheim» بین سالهای ۱۹۴۷ و ۱۹۵۳ درست ۱/۳ آنها اشخاصی بوده‌اند که قبل از رسیدن بسن ۱۸ سالگی مرتکب جرم شده‌اند.

در اغلب از کشورهای اروپا که پس از جنگ دوم جهانی بر اثر فقر و استیصال و فساد اخلاق و عدم توجه و قدرت دولتها هر روز بر جمعیت اطفال بزهکار افزوده میشود جنبشهای عظیمی برای مبارزه با این فساد اجتماعی بپا خاست و قوانینی برای اصلاح نسل جوان تدوین گردید.

از جمله قوانینی که نتیجه بسیار سودمند بخشید و بطور محسوسی از جمعیت بزهکاران کاست فرمان ۲ فوریه ۱۹۴۵ جمهوری موقتی فرانسه بود (۱) که بموجب یک آمار دقیق که ذیلاً نگاشته میشود پس از صدور این فرمان هر ساله بطور محسوسی از تعداد اطفال بزهکار این کشور کاسته شد.

سال	تعداد مجرمین	کاهش
۱۹۴۱	۳۰۸۹۴	—
۱۹۴۹	۲۱۱۸۵	۹۷۰۹
۱۹۵۱	۱۴۹۷۱	۶۲۱۴
۱۹۵۴	۱۳۵۰۴	۱۴۶۷
۱۹۵۵	۱۳۹۷۱	—

فزوننی (۴۶۷)

باتوجه بارقام منعکسه در آمار فوق ملاحظه میشود که پس از اجراء مقررات جدید در فرانسه هر سال بترتیب گروه کثیری از تعداد اطفال بزهکار کاسته شده است.

گرچه برخلاف انتظار در سال ۱۹۵۵ تعداد مجرمین نسبت بسال قبل ۴۶۷ نفر فزوننی داشته ولی ضمن مقایسه سال مذکور با سال ۱۹۴۱ و در نظر گرفتن اینکه پس

۱ - « Ordonnance du 2 Fevrier 1945 »

۱ - فرامین جمهوری موقت فرانسه تا اکتبر ۱۹۴۵ در حکم قانون بوده و مورد تأیید پارلمان آنکشور است.

سخنی چند در باره قانون

از جنگ دوم جهانی جمعیت این کشور رو بفرزونی نهاد مع الوصف تعداد ۱۶۹۲۳ نفر از اطفال بزهکار نسبت بسال ۱۹۴۱ کاسته شده است.

در کشور ما وضع اطفال بزهکار بموجب قانون مجازات عمومی - که متأسفانه بعلت عدم تشکیل کانون اصلاح و تربیت هنوز هم قابل اجرا است - بسیار رقت بار و اسف انگیز است!

زیرا بموجب قانون مجازات هیچگونه راه اصلاح و تعلیم و تربیت اساسی برای صغار پیش بینی نشده است. بموجب ماده ۳۴ اطفال غیر ممیز یعنی اطفالیکه هنوز بسن ۱۲ سال تمام نرسیده‌اند چنانچه مرتکب جرمی شوند «... باید باولیای خود تسلیم گردند با التزام بتأدیب و تربیت و مراقبت درحسن اخلاق آنها!

دراینجا ملاحظه میشود صرفنظر ازاینکه قانون برای الزام اولیای طفل بتعلیم و تربیت طفل خود هیچگونه ضمانت اجرائی قائل نشده است. اصولاً معلوم نیست اینگونه اولیاءکه بر اثر اهمال و مسامحه آنان اطفالشان مرتکب جرم شده‌اند صلاحیت علمی و اخلاقی برای رهبری و راهنمایی طفل خود داشته باشند!

و اما در مورد اطفال ممیزکه هنوز بسن ۱۵ سال تمام نرسیده‌اند قانون مجازات تنها راه تعلیم و تربیت آنانرا ضربات شلاق پیش بینی نموده است! و بموجب ماده ۳۵ قانون مجازات عمومی چنانچه ایندسته از صغار مرتکب جنحه یا جنایتی شوند فقط به ده الی پانزده ضربه شلاق محکوم میشوند.

دراینجا نیز بایستی متذکر شد که با در نظر گرفتن فلسفه و هدف امروزی مجازات که شمه ای از آن فوقاً یاد شد اجرای مجازات شلاق یقیناً نمیتواند در اصلاح و تربیت اطفال بزهکار واجد کوچکترین اثری باشد.

اما در مورد صغار بین ۱۵ تا ۱۸ سال یعنی صغار موضوع ماده ۳۶ قانون مجازات عمومی گر چه این دسته از صغار بموجب قانون و بلحاظ صغر سن مثل کبار مجازات نشده و برای بازداشت و حبس آنها نیز قانون کلمه دارالتأدیب را بکار برده است ولی عملاً و چنانکه مشاهده میشود زندان صغار با کبار یکی و کلمه دارالتأدیب اسم بی مسمائی بیش نیست و در این زندانها گذشته از اینکه هیچگونه وسیله‌ای برای تعلیم و تربیت اطفال بکار نرفته است اصولاً بر اثر تماس با سایر زندانیان که مطلقاً اشخاص خطرناکی هستند وضع اخلاقی آنها روز بروز بدتر و پس از ورود باجتماع قهراً مرتکب جرائم تازه‌ای میشوند.

بنابراین ملاحظه میشود که قانون مجازات بهیچ طریق در تربیت و اصلاح اطفال بزهکار قدم مؤثری بر نداشته و روش قدیمی و متروک آن فرسنگها از قوانین و مقررات امروزی دنیای متمدن دور است.

نظر بمراتب فوق الاشعار چون همیشه لزوم قانون تازه‌ای در مورد صغار که با احتیاجات دنیای متمدن هم آهنگی داشته باشد ضروری بنظر میرسد « لایحه‌ای از طرف

وزارت دادگستری تهیه و پس از حکم و اصلاح بالاخره در تاریخ هفدهم آذرماه ۱۳۳۸ پس از تصویب مجلسین سنا و شورای ملی بفرمان همایونی موشح و بصورت قانون درآمد. قانون اطفال بزهکارگر چه از قوانین مدرن و از لحاظ حفظ و نگاهداری صغار و اصلاح و تربیت آنان اساساً با مقررات قانون مجازات قابل قیاس نیست مع الوصف باین قانون هم انتقاداتی وارد است که شمه ای از آنرا با مقایسه با قوانین سایر ملل از جمله قانون کشور فرانسه که بشرح مذکور در فوق عملاً نتایج نیکوئی بخشیده است ذیلاً مینگارند :

الف - قضات و مراجع قضائی اطفال

از آنجا که مسئله رسیدگی بجرائم صغار بمراتب حساستر و دقیقتر از امور مربوط بکبار است و اجتماع برای اصلاح و تربیت اطفال بزهکار اهمیت بیشتری را قائل میباشد این است که عموم علمای حقوق جزا متفقند که مراجع دادرسی مربوط بصغار بایستی از مراجعی که بجرائم کبار رسیدگی مینمایند منفک بوده و قضات این دادگاهها از قضات مجرب و بصیری باشند که در امور مربوط بصغار و طرق اصلاح آنان تخصص کافی داشته باشند.

گر چه اجرای این منظور بموجب مواد ۱ و ۲ از قانون مربوط بتشکیل دادگاه اطفال بزهکار برخلاف قانون سابق مواردی پیش بینی شده است ولی با مقایسه این قانون با سایر قوانین ملل مترقی بنظر میرسد که مواد مذکور بشرحی که خواهد آمد نمیتواند این منظور را تأمین نماید.

بموجب ماده ۱ - « در حوزه هر دادگاه شهرستان یک یا چند دادگاه اطفال تشکیل خواهد شد... »

صرفنظر از اینکه قاضی دادگاه اطفال با امور جنحه رسیدگی نموده و حکم صادر مینماید مضافاً باستناد ماده ۶ - «... رسیدگیهای مقدماتی اعم از تعقیب و تحقیق از طرف دادگاه اطفال بعمل خواهد آمد و دادگاه کنیه و وظایفی را که طبق قانون بر عهده ضابطین دادگستری است انجام خواهد داد... » بنا بر این در امور مربوط بصغار علی الاصول دادسرا و باز پرس دخالتی نداشته و این قاضی دادگاه اطفال است که برخلاف اصل کلی لزوم انفکاک مراجع تحقیق و حکم را شخصاً تحقیق نموده و حکم میدهد.

در امور جنائی نیز بموجب ماده ۳ «... دادگاه اطفال از قاضی آندادگاه و دو نفر مشاور از بین کارمندان قضائی بازنشسته یا فرهنگی (استاد - دبیر - آموزگار) یا اداری یا معتمد محل که در این امور علاقه و بصیرت داشته باشند تشکیل میگردد و رأی دو نفر مذکور مشورتی است. »

بدیهی است با اینکه نظر دو مستشار مذکور مشورتی و در رأی شرکتی نخواهند داشت عملاً تشکیلات در امور جنائی همان تشکیلات در امور جنحه بوده و قاضی دادگاه اطفال که با امور جنحه کلاً رسیدگی مینماید با امور جنائی نیز رسیدگی خواهد نمود و مرجع

سخنی چند در باره قانون

استینافی احکام صادره از دادگاه اطفال (در مواردیکه احکام مذکور قابل استیناف هستند) همان دادگاه استیناف عادی یعنی دادگاههاییکه باسورکبار رسیدگی مینمایند خواهند بود و صغار برخلاف سایرکشورها از داشتن مراجع استینافی اختصاصی محرومند.

بنابراتب فوق همانطورکه ملاحظه شد تمام تشکیلات اختصاصی صغار بموجب قانون جدید تنها تشکیل یک دادگاه اطفال است و صغار از داشتن سایر مراجع اختصاصی محروم هستند و حال اینکه در سایر ملل مترقی صغار دارای تشکیلات اختصاصی منظمی بوده و امور مربوط بانان کلاً از کبار منفک میباشد.

برای نمونه تشکیلات قضائی صغار را درکشور فرانسه بطور اختصار ذکر

مینماید :

در فرانسه بموجب فرمان ۲ فوریه ۱۹۴۵ که بموجب قوانین بعدی نیز اصلاح شده است تشکیلات قضائی صغار بشرح زیر است :

۱ - مراجع تحقیق . ۲ - مراجع حکم .

۱ - مراجع تحقیق - بموجب ماده ۴ از فرمان ۲ فوریه ۱۹۴۵ که بوسیله قانون ۲۴ مه ۱۹۵۱ اصلاح شده است . - درمقر هر دادگاه اطفال ۱ یا ۲ بازپرس بنا به پیشنهاد دادستان استان و موافقت رئیس دادگستری اختصاصاً برای کارهای مربوط بصغار تعیین میشوند و نیز دادستان استان یک یا دو نفر از دادیاران شهرستان را برای امور مربوط بصغار اختصاص میدهد .

در مورد جنایت دخالت بازپرس اجباری و مقررات جرائم مشهوده بهیچوجه در مورد صغار اعمال نخواهد شد .

ضمناً قاضی اطفال نیز در موردیکه مستقیماً شکایتی باو شده باشد شخصاً تحقیقات مقدماتی را انجام میدهد .

۲ - مراجع حکم - مراجع حکم بترتیب عبارتند از : ۱ - قاضی اطفال ۲ - دادگاه اطفال ۳ - دادگاه جنائی ۴ - محکمه استیناف صغار .

۱ - قاضی اطفال - بدوآبایستی متذکر شد که قاضی اطفال غیر از قاضی دادگاه اطفال است « بلکه قاضی اطفال مستقل از دادگاههای اطفال بوده برخی از تحقیقات مقدماتی را انجام و درجرائمی که اهمیت زیادی نداشته باشد احکامی نیز صادر مینمایند .

گر چه ممکن است ایراد شود که در اینجا هم بر خلاف اصل کلی مجزا بودن مراجع تحقیق و حکم عمل شده و قاضی اطفال درحالیکه شخصاً تحقیقات را انجام داده است حکم هم صادر مینماید .

ولی بایستی متذکر شد که احکامی را که قاضی اطفال صادر مینماید طبق قانون نمیتواند از حدود اقدامات تأمینی « Mesure de Surêté » مثلاً دستورنگاهداری اطفال درمؤسسات عمومی و یا خصوصی و یا الزام والدین یا سرپرست طفل بنگاهداری طفل خود و امثال آنها تجاوز کند و چنانچه لازم باشد درباره طفل حکم مجازات بمعنای اخص

سخنی چند در باره قانون

صادر شود قاضی اطفال برای صدور این حکم صالح نبوده و پرونده را به دادگاه اطفال ارسال میدارد.

قاضی اطفال از بین قضات دادگاه شهرستان برای مدت ۳ سال انتخاب و پس از دیدن کلاس مخصوص درمورد جرائم اطفال باین سمت منصوب میشود.

۲ - دادگاه اطفال - دادگاه اطفال از یک نفر رئیس که از بین قضات اطفال انتخاب شده و دو نفر مستشار غیر قاضی تشکیل میگردد.

مستشاران این دادگاه را وزیر دادگستری از بین افرادی اعم از مرد یا زن که سنشان متجاوز از ۳۰ سال و باین نوع از امور وقوف کامل دارند انتخاب میکند.

در امور جنحه دادگاه اطفال بتمام جرائم صغار مادام که سنشان به ۱۸ سال تمام نرسیده و درجنایت نیز مادام که سن آنها به ۱۶ سال تمام نرسیده است رسیدگی مینماید.

۳ - دیوان جنائی صغار بموجب قانون ۲۴ مه ۱۹۰۱ برای رسیدگی بجنایاتی که وسیله صغار کمتر از ۱۸ و بیشتر از ۱۶ سال ارتکاب مییابد دیوان جنائی صغار صالح است.

دیوان جنائی صغار تشکیل میشود از یک رئیس و دو مستشار و یک هیأت منصفه ۷ نفری. رئیس دیوان جنائی صغار از بین مستشاران استیناف و دو مستشار دیوان جنائی صغار از بین قضات اطفال انتخاب میشوند. اعضاء هیأت منصفه نیز از بین اعضاء هیأت منصفه دیوانعالی جنائی کبار بقید قرعه انتخاب میشوند.

۴ - محکمه استیناف صغار - بطوریکه قبلاً نیز متذکر شده درقانون ما مرجع خاصی برای صغار پیش بینی نشده است. درفرانسه بموجب ماده ۲۴ از فرمان ۲ فوریه ۱۹۴۵ برای رسیدگی استینافی از احکام صادره از دادگاه اطفال و احکام صادره از ناحیه قاضی اطفال مرجع پژوهشی خاصی صالح است.

دادگاه استیناف اطفال تشکیل میشود از یک رئیس و دو مستشار. رئیس دادگاه که سمت مخبر را نیز درجلسه محاکمه دارا میباشد یکی از مشاورین وابسته به «تشکیلات محافظت و نگاهداری صغار» است و دو مستشار او نیز از بین مستشاران استیناف انتخاب میشوند. این بود مختصری در باره تشکیلات قضائی فرانسه که اساساً با تشکیلاتی که درقانون جدید مربوط باطفال بزهکار پیش بینی شده است قابل قیاس نمیشد.

اما در مورد انتخاب قاضی و صلاحیت و شایستگی آنان در امور مربوط به صغار. گرچه بموجب ماده ۲ این قانون (قضات دادگاه اطفال را وزارت دادگستری از بین قضاتیکه صلاحیت آنانرا برای این امر با رعایت سن و سوابق خدمت و جهات دیگر سحرز بداند انتخاب خواهد کرد.)

مع الوصف این امر کافی نبوده و بهتر بود که مثل سایر کشورها قضات را برای این منظور انتخاب نمایند که قبلاً در کلاسهای مخصوص جرائم مربوط باطفال طرق اصلاح و هدایت آنانرا فرا گرفته باشند.

سخنی چند در باره قانون

مضافاً باینکه با توجه به تبصره ذیل ماده ۲ که مقرر میدارد :
« در صورتیکه قاضی دادگاه اطفال بجهتی از جهات قانونی از انجام وظیفه بازماند رئیس کل دادگاه شهرستان میتواند شخصاً بجای او انجام وظیفه نموده و یا یکی از قضات متناسب دادگاه شهرستان را بجای قاضی اطفال بطور موقت مأمور نماید ». موجب خواهد شد که در صورت بازماندن قاضی اطفال از انجام وظیفه حتی شروط و کیفیات معیده در ماده ۲ نیز رعایت نشده و چه بسا مدتها دادگاه اطفال توسط قضاتی که صلاحیت این کار را نداشته باشند اداره شود.

ب - مسئولیت جزائی صغار بموجب قانون مربوط به تشکیل دادگاه اطفال بزهار

آنچه در قانون مربوط به تشکیل دادگاه اطفال بزهار حائز اهمیت است مسئله مسئولیت جزائی صغار است :

در قانون سابق تنها اطفال تا سن ۱۲ سال از عدم مسئولیت جزائی بهره‌مند میشدند (ماده ۳۴ قانون مجازات عمومی)

ولی در قانون جدید جز در یک مورد استثنائی (ارتکاب جنایت توسط صغیر بیش از ۱۰ سال و کمتر از ۱۸ سال) بطور کلی چه در جنحه و چه در جنایت عموم صغار از یک اصل عدم مسئولیت جزائی بهره‌مند میشوند.

معدلتک بایستی متذکر شد گر چه بموجب این قانون در امور جزائی اصولاً صغار غیر مسؤل شناخته شده‌اند ولی این عدم مسؤلیت مانع این نخواهد بود که برای تربیت و هدایت صغار بزهار اقدامات تأسیسی و احتیاطی از قبیل سپردن اطفال بزهار یا اولیاء یا سرپرست آنها یا نگاهداری اطفال در کانون اصلاح و تربیت تصمیماتی اتخاذ گردد. برای اینکه بهتر اصل عدم مسئولیت جزائی صغار را تشریح نمائیم با توجه بمواد ۱۷ و ۱۸ قانون اطفال بزهار سه مرحله را بایستی در نظر گرفت.

۱ - اطفال تا سن ۶ سال تمام.

۲ - اطفال از ۶ سال تمام تا ۱۲ سال تمام.

۳ - اطفال از سن ۱۲ سال تمام تا سن ۱۸ سال تمام.

۱ - اطفال تا سن ۶ سال تمام

« گرچه بنظر قانونگذار این گروه از صغار بعلت صغر فوق العاده سن علی الاصول مرتکب جرمی نمیشوند و در صورت ارتکاب جرم نیز بعلت عدم رشد فکری قابل تعقیب جزائی نخواهند بود » ولی از آنجا که ارتکاب جرم از ناحیه این گروه از صغار بعید بنظر نمیرسد. در اینصورت اگر طفل در این سن و بعلت فساد اخلاق والدین و عدم توجه آنان مرتکب جرمی شود چون بموجب این قانون هیچ مرجعی برای رسیدگی و دخالت در وضع خانوادگی طفل و هدایت او پیش بینی نشده است لذا بایستی آنقدر صبر کرد که طفل در این خانواده منحرف رشد کافی نموده و بر اثر ارتکاب جرم بعدی دستگیر شود.

سخنی چند در باره قانون

بنابراین چون مجازاتهای پیش بینی شده در این قانون اکثراً اقدامات تأمینی است نه مجازاتهای بمعنای اخص بهتر این بود که مثل قانون سابق وقوانین جاریه سایر ملل اساساً حدی برای تعقیب و رسیدگی بامور صغار پیش بینی نمیشد و صغار تا سن ۱۲ سال تمام را بطور کلی مشمول یکنوع از مقررات مینمودند.

۲ - اطفال از ۶ سال تمام تا ۱۲ سال تمام

« بموجب ماده ۱۷ » در مورد اطفالی که سن آنان بیش از ۶ سال الی ۱۲ سال تمام است در صورتیکه مرتکب جرمی شوند بر حسب مورد تصمیمات ذیل اتخاذ خواهد شد:

۱ - تسلیم باولیاء یا سرپرست یا اخذ تعهد بتأدیب و تربیت و مواظبت در حسن اخلاق طفل .

۲ - اعزام بکانون اصلاح و تربیت بمنظور تأدیب و تربیت برای مدت از یکماه تا ۶ ماه (در مواردیکه بجهتی از جهات ولی یا سرپرست صلاحیت ندارد و یا الزام او بتأدیب و تربیت و مواظبت در حسن اخلاق طفل خود ممکن نباشد).

در اینجا ملاحظه میشود که جز در موردی که والدین یا سرپرست طفل صلاحیت نگاهداری طفل خود را ندارند تنها وسیلهایکه توسط این قانون پیش بینی شده است تسلیم طفل باولیاء یا سرپرست آنان است .

صرفنظر از اینکه تنها این یک وسیله برای اصلاح و تربیت صغار کافی نیست اصولاً در این قانون هیچگونه ضمانت اجرائی برای الزام والدین یا سرپرست طفل بتأدیب و تربیت طفل خود پیش بینی نشده است و حال اینکه در فرانسه بموجب قانون ۲۴ مه ۱۶۵۱ چنانچه صغیری که بموجب حکم دادگاه بولی یا قیم یا محافظ او جهت تربیت و نگاهداری سپرده میشود بر اثر اعمال نامبردگان مرتکب جرمی شود قاضی اطفال یادادگاه اطفال ضمن صدور حکم ولی یا قیم یا محافظ را نیز بجریمه‌ای از ۱۰۰۰ تا ۵۰۰۰ فرانک جریمه مینماید .

ضمناً در فرانسه بموجب قانون فوق‌الذکر برای اصلاح و هدایت این گروه از صغار وسیله دیگری باسْم (رژیم آزادی تحت مراقبت)^۱ پیش بینی شده است بدین معنی که در مقر هر دادگاه شهرستان یک نفر اعم از مرد یا زن که از هر حیث صلاحیت و شایستگی او در امر اصلاح و هدایت اطفال محرز باشد بنا به پیشنهاد قاضی اطفال و تصویب وزارت دادگستری بسمت نماینده همیشه برای کنترل اطفال بزهکار انتخاب و اطفالی را که بموجب حکم دادگاه بایستی تحت این رژیم قرار گیرند توسط اطفال باو میسپارند .

اطفال مذکور در حالیکه در اجتماع آزاد هستند اعمالشان پیوسته توسط این شخص تحت کنترل بوده و چنانچه اوضاع و احوالی ایجاد شود که وضع تربیت طفل را بمخاطره اندازد فوراً مراتب را بقاضی اطفال گزارش مینماید .

۳ - اطفال از سن ۱۲ سال تمام تا سن ۱۸ سال تمام

تکلیف این گروه از اطفال را ماده ۱۸ تعیین نموده است .

« Le regime de la liberté surveillée » - ۱

سخنی چند در باره قانون

بموجب این ماده در مورد اطفالیکه بیش از ۱۲ سال تمام تا ۱۸ سال تمام دارند هرگاه مرتکب جرمی شوند بر حسب مورد تصمیمات ذیل اتخاذ خواهد گردید :

۱ - تسلیم باولیا یا سرپرست با اخذ تعهد بتأدیب و تربیت و مواظبت در حسن اخلاق طفل.

۲ - سرزنش و نصیحت بوسیله قاضی دادگاه.

۳ - اعزام بکانون اصلاح و تربیت از ۳ ماه تا یکسال.

۴ - اعزام بکانون اصلاح و تربیت و تسلیم بزندان کانون در مورد اطفالی که سن آنان بیش از ۱۵ سال تمام است از شش ماه تا ۵ سال (تصمیم اخیر در موردی اتخاذ میشود که طفل مرتکب جنایتی گردیده باشد.

ماده مذکور این گروه از اطفال را از نظر مسئولیت جزائی بدو دسته تقسیم

نموده است :

۱ - اطفال بیش از ۱۲ سال تمام و کمتر از ۱۵ سال تمام.

۲ - اطفال از ۱۵ سال تمام تا ۱۸ سال تمام.

۱ - در مورد اطفال دسته اول چنانچه این گروه مرتکب جنحه یا جنایتی شوند تصمیمات تقریباً همانست که برای اطفال ۶ تا ۱۲ ساله قائل شده‌اند یعنی بمجازاتهای بمعنای اخص (حبس و غرامت و غیره) محکوم نشده و فقط در باره آنها اقدامات تأمینی (نگاهداری طفل در کانون اصلاح و تربیت و یا سپردن او به والدین یا الزام به تربیت و تصحیح اخلاق و غیره) اعمال میگردد.

در مورد اطفال دسته دوم (اطفال بیش از ۱۵ سال و کمتر از ۱۸ سال) در اینجا بایستی بین ارتکاب جنحه و جنایت توسط اطفال فرق قائل شد چنانچه این گروه از اطفال مرتکب جنحه‌ای شوند باز هم مجازات همانست که برای اطفال از ۱۲ تا ۱۵ ساله پیش‌بینی شده است .

ولی چنانچه مرتکب جنایتی شوند بایستی بزندان کانون اعزام شوند و این تنها موردی است که قانونگذار در این قانون کلمه زندان را بکار برده است و در حقیقت مجازات بمعنای اخص را پیش‌بینی نموده است و الا همانطور که گذشت سایر تصمیمات دادگاه جز اقدامات تأمینی در زمینه اصلاح و تربیت اطفال چیز دیگری نبوده و نبایستی آنها را بمجازات بمعنای اخص اشتباه کرد.

مسئولیت جزائی صغار در قانون فرانسه و مقایسه آن با قانون ایران

در فرانسه بموجب ماده ۲ از فرمان ۱۹۴۵ صغار از یک اصل کلی عدم مسئولیت جزائی بهره مند میشوند منتهای دراتب این اصل درباره عموم صغار یکسان نمیباشد . صغاریکه سن آنها به ۱۳ سال تمام نرسیده است از یک اصل عدم مسئولیت جزائی مطلق استفاده میکنند یعنی بهیچوجه اطفال بزهدکار کمتر از ۱۳ سال را نمیتوان

جزائاً محکوم نمود و اما در مورد صغاریکه سن آنها بیش از ۱۳ و کمتر از ۱۸ سال تمام است این اصل عدم مسئولیت مطلق نبوده بلکه نسبی است گرچه درباره این گروه از صغار بازهم اصل بر عدم مسئولیت جزائی است و در موقع ارتکاب جرم بایستی مثل صغار کمتر از ۱۳ سال اقدامات تأمینی و احتیاطی در زمینه اصلاح و تربیت آنها اعمال گردد ولی بموجب شق ۲ از ماده ۲ فرمان مذکور قاضی میتواند استثنائاً نظر بکیفیت وقوع جرم و شخصیت مجرم و سایر اوضاع و احوال منعکسه در پرونده این گروه از صغار را بارعایت مواد ۶۷ و ۶۹ قانون مجازات بمجازاتهای بمعنای اخص محکوم نماید. مواد ۶۷ و ۶۹ قانون مجازات فرانسه مربوط به تخفیفی است که بلحاظ صغرسن برای صغار قائل شده‌اند:

« Excuse atténuante de minorité »

قبل از فرمان ۱۹۴۶ قاضی مکلف بود که در صورت احراز بزه صغار را با رعایت این تخفیف بمجازاتهاییکه برای کبار پیش‌بینی شده است محکوم نماید ولی پس از صدور این فرمان گرچه همانطور که گذشت بقاضی اجازه داده شد که در موارد لزوم صغار را بارعایت این تخفیف بمجازاتهای بمعنای اخص (زندان - غرامت و غیره) محکوم نماید ولی قضات این کشور نظر بروح قانون و فلسفه مجازات جز در موارد استثنائی صغار را باین قبیل مجازاتها محکوم نمی‌نمایند.

چنانکه در سال ۱۹۵۴ از تعداد ۱۳۵۰۴ صغیر بزه‌کار تنها ۱۳۷۷ نفر یعنی ۱۰/۲٪ و در سال ۱۹۵۵ از ۱۳۹۷۵ نفر صغیر تنها ۱۳۱۰ نفر یعنی ۹/۳٪ باین قبیل مجازاتها محکوم شده‌اند.

ضمناً در باره صغار بین ۱۶ سال تمام و کمتر از ۱۸ سال تمام قاضی استثنائاً و با ذکر دلایل و جهات کافی میتواند این گروه از صغار را بدون رعایت تخفیف مقیده در موارد ۶۷ و ۶۹ عیناً بمجازاتهای مثل کبار محکوم نماید بدیهی است که در این مورد هم باز قضات جز در موارد بسیار نادر بصدور این قبیل احکام اقدام نمی‌کنند.

حال که مختصری از مسئولیت جزائی صغار را در قانون فرانسه تشریح نمودیم ببینیم کدامیک از دو قانون یعنی قانون فرانسه یا قانون ایران در مورد مسئولیت جزائی صغار رل بهتری را در اصلاح و تربیت اطفال بزه‌کار بازی میکند.

برای روشن شدن مطلب مثلاً صغیر را که ۱۷ سال دارد و مرتکب سرقت ساده‌ای شده است در نظر می‌گیریم.

بموجب ماده ۳۸۸ قانون مجازات فرانسه مجازات سرقت ساده از یکسال تا ۵ سال حبس و از سی تا پنجاه هزار فرانک غرامت است.

حال ببینیم که قاضی فرانسوی نسبت باین صغیر بچه نحو و چگونه اتخاذ تصمیم مینماید.

همانطور که ذکر شد قاضی فرانسوی باستناد ماده ۲ از فرمان ۲ فوریه ۱۹۴۵ مختار است که یکی از سه طریق را که قانون باو اجازه داده است انتخاب نموده و اتخاذ تصمیم نماید :

سخنی چند در باره قانون

۱ - یا اینکه باستناد شق اول از ماده فوق‌الذکر یکی از اقدامات تأسیسی و احتیاطی را (که غالباً این تصمیم طبق آماریکه بنظر رسید بیشتر و تقریباً ۹۰ درصد اجراء میشود) درباره او اعمال نموده و از صدور حکم مجازات بمعنای اخص خودداری نماید مثلاً طفل بزهکار را بوالدینش بالزام باصلاح و تربیت بسپارد و یا اینکه او را تحت رژیم آزادی تحت مراقبت گذارده و با تصمیماتی امثال اینها اتخاذ نماید.

۲ - و یا اینکه باستناد شق ۲ از ماده ۲ فرمان ۱۹۴۵ با در نظر گرفتن مواد ۶۷ و ۶۹ او را بمجازاتاتی که کمتر از مجازات مقیده در ماده ۳۸۸ قانون مجازات (یعنی بمجازاتاتی که کمتر از نصف حداقل و بیشتر از نصف حداکثر مجازات پیش بینی شده برای کبار) محکوم نماید.

۳ - و بالاخره چون سن صغیر بیش از ۱۶ و کمتر از ۱۸ سال تمام است میتواند با توجه بکیفیت وقوع جرم و شخصیت مجرم و با ذکر دلائل قویه او را بدون رعایت تخفیف مقیده در موارد ۶۷ و ۶۹ یعنی بهمان مجازاتی که برای کبار پیش بینی شده است محکوم نماید (بدیهی است که در اینجا هم باز قاضی میتواند از کیفیات مخففه عمومی « Les circonstances atténuantes generales » که برای کبار هم پیش بینی شده است استفاده نموده و مجازات مذکور را از حداقل هم پائین تر بیاورد (و برخلاف قانون مجازات ما که در امور جنحه قاضی نمیتواند بکمتر از ۱۱ روز حبس حکم بدهد) در فرانسه با استفاده از کیفیات مخففه قاضی میتواند در امور جنحه حبس را تا یکروز هم تقلیل داده و حتی او را بجزای نقدی تبدیل نماید)

اما چنانچه طفل ۱۷ ساله‌ای در ایران مرتکب این سرقت بشود بموجب قانون جدید قاضی ایرانی نمیتواند او را بمجازات بمعنای اخص یعنی حتی بیکروز زندان یا یک ریال غرامت محکوم نماید « زیرا در امور جنحوی همانطور که گذشت صرفنظر از اخذ تصمیماتی در زمینه اصلاح و تربیت طفل عموم صغار از یک اصل کلی عدم مسئولیت جزائی بهره‌مند میشوند.

گرچه همانطور که گذشت امروز دیگر هدف علمای حقوق از مجازات مجرمین چیزی جز اصلاح و تربیت آنها نیست. ولی ناگفته نماند که هنوز هم نمیتوان منکر شد که در دنیای متمدن امروز وجود قوانین جزائی و اجرای مجازات اثرات سودمند دیگری از نظر جلوگیری از تکثیر جرائم در بردارد.

زیرا ترسی که وجود قوانین جزائی و اجرای مجازات در هراجماع ایجاد میکند خود باعث انصراف عده کثیری که وسوسه بارتکاب جرم دارند میشود و از طرفی اجرای مجازات در مورد مجرمینی که بکیفر اعمال خود رسیده‌اند ترسی ایجاد میکند « Inimidation individuelle » که آنها را نیز از ارتکاب مجدد بجرائم باز میدارد.

در اینجا ملاحظه میشود که قانون فرانسه با در نظر گرفتن این دو اصل یعنی اصلاح و تربیت صغار از یکطرف و رعایت فلسفه وجودی مجازات یعنی تخویف دسته

« Intimidation collective » جمعی و تخویف شخصی « Intimidation individuelle » از طرف دیگر ، دست قاضی را بازگذاشته که نظر بشخصیت مجرم و کیفیات وقوع جرم متهم را یا بمجازاتهای بمعنای اخص محکوم نماید و یا درباره او یکی از اقدامات احتیاطی را اعمال دارد.

علیهذا و از آنجا که وضع محیط ما و اینکه سطح فرهنگ و مؤسسات علمی و تربیتی در کشور ما بمراتب کمتر از کشور فرانسه است و هنوز ترس از کیفر اهمیت قابل توجهی را در انصراف اشخاص از ارتکاب جرائم دارا میباشد بهتر این بود که در قانون جدید مثل قانون کشور فرانسه دست قاضی را باز میگذاشتند که نظر بشخصیت مجرم و کیفیت وقوع جرم و نحوه آن صغار بزهکار (بخصوص صغار بیش از ۱۵ سال تمام) را یا بمجازاتهای بمعنای اخص محکوم نموده و یا در باره آنها یکی از اقدامات احتیاطی را معمول دارند.



پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی